

تصاویر ثبت شده بودم. آنجا دو، سه نکته به ذهنم آمد. اول اینکه چه کسی را به عنوان تدوینگر دعوت کنم بیاید اینجا مستقر شود و خروجی کار را بزند. آن زمان بهترین شخصی که از انگیزه‌هایش برای ساخت کار درباره فاطمیون مطلع بودم و دوست داشتم قبول کند «محسن عقیلی» بود. او یک دفتر گرفته بود و نسبت به آن زمان سیستم تدوین بسیار خوبی هم تهیه کرده بود. از او خواستم حداقل ۶ ماه بیاید اینجا در دفتر گروه رسانه فاطمیون مستقر شود. نکته مهم دیگر این بود که ما دست کم ۶-۵ اثر باید می‌ساختیم و فرصت خیلی زیادی هم نداشتیم؛ بنابراین باید کار را گروهی پیش می‌بردیم. این شد که بهتر بود هر اثر را به یک کارگردان خوشفکر و جوان می‌سپردیم.

نکته دوم که خیلی خاطره شد؛ این بود که ۲۰ روز مانده به سالگرد شهادت ابوحامد و فاتح، چپه‌ها گفتند چه می‌کنید برادران؟! ما مستندها را می‌خواهیم! گفتیم چطور در این زمان کم کار دو شهید را تحویل بدهیم؟! گفتند چون ما دیدیم زمان کم است، کار ابوحامد را دادیم کس دیگری بسازد، شما کار فاتح (شهید رضا بخشی) را انجام دهید و هر طور هست آن را جمع کنید.

این کار چطور پیش رفت آقای خالقی؟

ما خیلی سریع ورود کردیم و خوب ظرفیت خوبی هم داشتیم. یکی از بچه‌های گروه رسانه فاطمیون؛ آقای نواب از دوستان دوره طلبگی شهید بخشی بود و شناخت خیلی خوبی از ایشان داشت. از او خواستیم اگر شرایطش را دارد، جلو دوربین بیاید و او نیز قبول کرد. با همت تدوینگر و اطلاعات نسبتاً خوب قبلی که همراه با مصاحبه‌های آقای نواب شد، توانستیم پنج روز مانده به سالگرد شهادت، خروجی کار را بگیریم و سه روز بعد هم تأیید نهایی را گرفتیم.

همزمان کار شهید توسلی را مستندساز دیگری ساخت و آن هم رسید و هر دو مورد از نظر کیفیت، تأیید شد. نکته مهم در تأیید مستند ابوحامد نسبت به دو، سه کار ناموفق قبلی، استفاده از تصاویر ثبت شده در «تل قرین» و آخرین لحظات علیرضا توسلی قبل از شهادت بود. این تصاویر از آن جهت مهم بود که هم بار احساسی و جذابیت خودش را داشت و هم اینکه دیگر شهدا مانند «حاج حسین بادپا» در آن بودند که در کارهای بعدی مثل مستند شهید «مهدی صابری» از آن‌ها استفاده کردیم.

بعد هم شنیدیم جمعی از خانواده‌های شهدا و رزمندگان لشکر فاطمیون در مشهد درست روز سالگرد شهادت ابوحامد و فاتح به تماشای این آثار نشستند. آن لحظات برای من خیلی عجیب بود، احساس می‌کردم مهاجران افغانستانی که پیش از شناخته شدن فاطمیون، اغلب یک جامعه زجرکشیده، رنج‌دیده و تحت فشار بودند و به این خاطر میهمان نوازی‌ها و اخوت‌های مردمی کمتر به آن‌ها مژه کرده بود، آن روز مستندی دیدند که فقط خودشان راوی آن بودند.

در این آثار، علاوه بر پدر و مادر و خانواده نزدیک شهید، اهل محله و دوستان نزدیک که همگی افغانستانی بودند، جلو دوربین ما بودند و این موجب خوشحالی و دلگرمی مردمی با این احوالات شد. آن روز خیلی از ما قدرانی کردند. تازه آن‌ها در حالی در راه اسلام خون داده بودند که تصویری از فرزندشان منتشر نمی‌شد، در تحویل پیکر فرزندشان مشکل داشتند، در تشییع جنازه خیلی محدود شده بودند و خلاصه خیلی شرایط خاصی از سرگذرانده بودند و همه این سختی‌ها، با تشکر گرم از ما به نوعی کمرنگ شده بود و ما هم حسای روحیه و انگیزه گرفتیم.

به عنوان کسی که اثر مستند پرتره رضا بخشی را ساختید، چگونه می‌توانید او را معرفی کنید؟

شخصیتی که من در پی شناخت او بودم و تلاش کردم درست بشناسم، در واقع یک شخصیت منحصربه‌فرد است. «رضا بخشی» یک نابغه تمام عیار و جوانی بی‌نظیر است. به نظر من اگر این کارا کتر را در کشورهای استعمارگر داشتیم، برایش تا حالا چند فیلم سینمایی ساخته بودند و به عنوان یک جوان پیشرو و اسطوره برای مردمشان مطرح می‌شد. متأسفانه ما از این عرضه‌ها در رسانه نداریم! این شخصیت کسی است که وقتی به او نگاه کنید، هیچ نقطه ضعفی نمی‌بینید! او تیپ و قیافه خوبی داشت، دارای فیزیک مناسب و ورزشکار حرفه‌ای بود، طلبه نخبه در حوزه و دانشجوی نخبه در دانشگاه شده بود! او به لحاظ اخلاق، بسیار مردم‌دار و صبور بود و در میدان رزم هم خیلی دست‌نیافتنی.

شهید بخشی در طراحی عملیات، در فرماندهی و مدیریت، در رزم میدانی، در همه چیز بسیار مؤثر و کارآمد بود. او بسیار شبیه



«رضا بخشی» یک نابغه تمام عیار و جوانی بی‌نظیر است. به نظر من اگر این کارا کتر را در کشورهای استعمارگر داشتیم، برایش تا حالا چند فیلم سینمایی ساخته بودند و به عنوان یک جوان پیشرو و اسطوره برای مردمشان مطرح می‌شد. متأسفانه ما از این عرضه‌ها در رسانه نداریم! این شخصیت کسی است که وقتی به او نگاه کنید، هیچ نقطه ضعفی نمی‌بینید!

چیزی بود که درباره برخی فرماندهان دفاع مقدس شنیده بودیم و به نوعی رضا بخشی، بازنمایی از آن‌ها بود. خاطراتی که درباره او می‌شنیدیم، یاد همت و باکری و زین‌الدین و امثال این نام‌های نامی را برای ما تداعی می‌کرد. هر آنچه لازم بود یک فرمانده نظامی محبوب داشته باشد، او داشت. تک تک اعضای فاطمیون او را بسیار دوست دارند. بنده هم که مستند شهید دیالمه را ساختم و درباره دوران دفاع مقدس تحقیقات زیادی داشتم، کامل حس می‌کردم او چقدر شبیه اسطوره‌های جوان جبهه و جنگ ماست.

آثاری که درباره دیگر فرماندهان و شهدای فاطمیون ساخته شد را هم مرور بفرمایید.

مستند شهید فدایی را علی محمد خانیکی و مجتبی احسانی ساختند که نام آن «چشم به راه» است و راوی آن همسر شهید است. مستند شهید سید علی حسینی عالمی با نام «پدر، عشق، پسر» را آقای علیرضا باغشنی ساخت که راوی آن سجاد؛ پسر شهید است. مستند شهید رضا اسماعیلی را هم